

کلام امام خمینی:

حضرت امام با توجه به آنچه در بحث مره و تکرار نوشتند، می نویسند:

«و بمثل ما ذکر فی المرة یعلم أنه لا دلالة للأمر علی الفور و التراخی، إذ لیس مفاده إلاّ البعث إلى نفس الطبيعة

و لازمه إیجادها، أو البعث إلى إیجادها، و آیا ما كان لا دلالة فیہ علی أمر زائد علی ما ذکر.»^۱

توضیح:

۱. هیأت امر وضع شده است برای بعث الی طبیعت، لازمه آن ایجاد طبیعت (یا بعث الی ایجاد طبیعت) است.
۲. و در هر صورت هیأت امر بر بیش از این مطلب دلالتی ندارد و دلالت بر فور و یا تراخی از آن خارج است.

کلام امام خمینی درباره دلالت آیات بر فوریت:

حضرت امام می نویسند:

«ثم إنه قد یتشبت لاستفادة الفوریة بأدلة النقل، مثل قوله تعالی: - فاستبِقُوا الخیراتِ»، و قوله: سارعوا إلى مغفرة من

ربکم. و فیہ: أن الظاهر من مادة «الاستباق» و هیئة «المسارعة» هو أن الأمر متوجه إلى تسابق المكلفین بعضهم مع

بعض إلى فعل الخیرات، و إلى مغفرة من ربهم، و مع حفظ هذا الظهور لا بد من حمل الخیرات و أسباب المغفرة علی

ما لو لم یسبق المكلف إلیه لفافته بإتیان غیره، مثل الواجبات الکفائیة و الخیرات التي لا یمکن قیام الكل بإتیانها، و

معه یمکن الأمر للإرشاد لا للوجوب، فإن الاستباق و المسارعة فی مثلها غیر واجب بعد ما قام بأدائها شخص أو

أشخاص. و هذا الحمل أولى من رفع الید عن ظهور الصدور و الأخذ بظهور الذیل و لا أقل من الإجمال.»^۲

توضیح:

۱. در جواب به استدلال به آیات بر فوریت می توان گفت:
۲. ظاهر از ماده استباق و هیأت مسارعه [ماده استباق از ریشه سبقت است که در آن دو طرف لحاظ می شود و هیأت مسارعه هم از مفاعله است که دو طرفه است] آن است که امر به مسابقه مکلفین با هم در رسیدن به خیرات و مغفرت است.
۳. با توجه به این نکته باید گفت این آیات مربوط به آن دسته از خیرات و آن گروه از اسباب مغفرت [چراکه آنچه عبد می تواند انجام دهد اسباب مغفرت است] است که اگر آدمی انجام ندهد، دیگری آن را انجام می دهد و لذا از آدمی فوت می شود (مثل واجبات کفایی)

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۹۱

۲. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۹۳



۴. پس آیات ارشاد است به اینکه شما سرعت به خرج بده تا تو انجام دهی و از دست تو نرود و آیات دال بر

وجوب نیست چراکه در مثل واجب کفایی، اگر دیگری کار را انجام دهد، دیگر بر من واجب نیست.

۵. اگر آیه را چنین حمل کنیم بهتر است از اینکه صدر آیه (سارعوا.. و فاستبقوا..) را رها کنیم و به ذیل آیه تمسک

کنیم (مغفرة من ربکم و خیرات) [یعنی ذیل آیه می گوید همه می توانند به خیرات و مغفرت برسند و لذا واجب

عینی است ولی صدر آیه می گوید که مثل واجبات کفایی است]

۶. حداقل آنکه ظهور صدر و ظهور ذیل به یک اندازه است و لذا آیه مجمل می شود.

ما می گوئیم:

تمام کلام امام در این است که چون همه نمی توانند اول شوند، پس آیه دلالت بر ارشاد دارد، در حالیکه آیه

امر به اول شدن نمی کند بلکه امر به ورود به سابقه می کند، ورود به مسابقه، برای همه ممکن است.

